

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶)

از منظر نمایندگان مجلس شورای ملی

توران منصور^۱

چکیده

با صدور قطعنامه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸م/۱۳۲۷ش مبنی بر تقسیم کشور فلسطین، تشکیل دولت اسرائیل رسمیت پیدا کرد و برخی از کشورها آن را به رسمیت شناختند. در ایران این موضوع با مخالفت جامعه مذهبی مواجه شد. نمایندگان مجلس نیز در ابتدا به تأسی از خواست مردم، در نطق-های خود به مخالفت با تشکیل دولت اسرائیل پرداختند. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با استحکام حکومت محمدرضا پهلوی و مناسبات دوستانه وی با آمریکا، سیاست حکومت در قبال اسرائیل چرخش پیدا کرد و سمت و سوی دوستانه اما پنهانی یافت. نمایندگان دوره‌های ۱۵-۲۴ مجلس شورای ملی به مناسبت‌های مختلف، روابط ایران و اسرائیل را دنبال و با توجه به سیاست حکومت درباره مناسبات، روابط و رخداد‌های مرتبط با اسرائیل اظهار نظر می‌کردند. مقاله حاضر تلاش دارد با استفاده از مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی به پرسش پاسخ دهد که نمایندگان مجلس شورای ملی چه واکنشی در قبال تشکیل دولت اسرائیل، جنگ‌های اعراب و اسرائیل و روابط ایران با اسرائیل داشتند؟ یافته‌های پژوهش حاکی است نمایندگان مجلس متأثر از گفتمان غالب در فضای سیاسی ایران، موضع‌گیری می‌کردند و مواضع تند و رادیکال نمایندگان مجلس دوره پانزدهم (در بدو تشکیل دولت اسرائیل) به تدریج فروکش کرد و هم‌راستا با مواضع دولت ایران و شاه به انتقاد از اسرائیل در حد مواضع کلی سازمان ملل مبنی بر خروج اسرائیل از اراضی اشغالی پس از جنگ ۱۹۶۷م اکتفا شد.

واژه‌های کلیدی: نمایندگان مجلس شورای ملی، اسرائیل، فلسطین، روابط خارجی.

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Iran-Israel relationship (1948-1979) from National Cansuttative point of view

Turan Mansouri¹

Abstract

With the issuance of the United Nations resolution in 1948 regarding the partition of Palestine, the formation of the state of Israel became official and some countries recognized it. In Iran, this issue was opposed by the religious community. The representatives of the National Assembly initially opposed the formation of the Israeli state in their speeches in accordance with the will of the people. After the coup d'état on 19 August 1953, with the strengthening of Mohammad Reza Pahlavi's authority and his friendly relations with America, the government's policy towards Israel took a turn and found a friendly but hidden direction. The representatives of the 15-24 periods of the National Assembly on various occasions followed the relations between Iran and Israel and commented on the relations and events related to Israel according to the government's policy. The present article tries to answer the question of how the representatives of the National Assembly reacted to the formation of the Israeli state, the Arab-Israeli wars, and the relations between Iran and Israel, using the detailed discussions of the National Assembly and library sources and analytical-descriptive methods. The findings of the research indicate that the members of the parliament were influenced by the dominant discourse in the political atmosphere of Iran, and the harsh and radical positions of the members of the parliament of the 15th term (at the beginning of the formation of the Israeli state) gradually subsided and were in line with the positions of the Iranian government and the Shah to criticize Israel to withdraw from the occupied territories after the 1967 war according to the general positions of the United Nations.

Keywords: National Assembly representatives, Israel, Palestine, foreign relations.

1. PhD in Islamic Revolution History, Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Bu Ali Sina University. kapo_1365@yahoo.com

مقدمه

با شکست امپراتوری عثمانی، قیمومت فلسطین توسط جامعه ملل به انگلیس واگذار شد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۵: ۳). در پرتو حمایت انگلیس، سیل مهاجرت یهودیان به سوی فلسطین که از قبل آغاز شده بود، سرعت گرفت. با افزایش روند مهاجرت یهودیان، مخالفت جامعه عرب نسبت به آن افزایش یافت و از انگلیس خواسته شد دست از حمایت یهودیان بردارد. به‌رغم مخالفت توده‌های عرب، صهیونیست‌ها در فلسطین، نیروی خودمختار ایجاد کردند و در همین رابطه یک ارتش سری به نام «هاگانا» تشکیل دادند که وظیفه سرکوب مخالفین و حتی ترور آنها را برعهده گرفت (میرطاهر، ۱۳۸۱: ۹۰).

انگلیس در مقابل مخالفت جامعه عرب با تشکیل دولت اسرائیل، با انتشار اعلامیه‌ای در سال ۱۹۳۹ تحت عنوان «کتاب سفید» اعلام کرد یهودیان در فلسطین تنها می‌توانند یک کانون ملی داشته باشند اما حق تأسیس دولت مستقل را ندارند. اما این بار خشم صهیونیست‌ها نسبت به اقدام انگلیس برانگیخته شد. شروع جنگ جهانی دوم تا حدودی روند اقدامات در این خصوص را کند کرد. با پایان جنگ جهانی دوم، انگلستان در سال ۱۹۴۷ اعلام داشت که سال بعد از فلسطین بیرون می‌رود و اداره آن را به سازمان ملل متحد محول خواهد کرد. تصمیم سازمان ملل متحد درخصوص فلسطین در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ بر تقسیم آن به سه قسمت مسجل شد: ۴۳ درصد آن در اختیار اعراب، ۵۶ درصد در اختیار یهودیان و بیت‌المقدس نیز بین‌المللی شد. بعد از این تصمیم سازمان ملل متحد، اسرائیل رسماً اعلام تشکیل دولت کرد (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۴۶۳/۱-۴۶۲؛ روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۷) به روایت اسناد نخست‌وزیری، ۶-۴) و دولت‌های متحده آمریکا و شوروی آن را به رسمیت شناختند (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۶۸/۱).

مسئله اصلی این مقاله بر این موضوع تأکید دارد که نمایندگان مجلس شورای ملی چه واکنشی در قبال تشکیل دولت اسرائیل و روابط ایران با اسرائیل داشتند؟ روش تحقیق این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و منابع کتابخانه‌ای است. اهمیت این موضوع از این جهت است که مجلس شورای ملی به‌عنوان میراث انقلاب مشروطه و کانون تصمیم‌ساز در قبال تحولات و روابط سیاسی کشور چه موضعی داشته است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مختلف راجع به اسرائیل از زوایای مختلف صورت گرفته است. از جمله آنها مقاله‌ای تحت عنوان «تاریخچه شکل‌گیری اسرائیل» (تاریخچه شکل‌گیری اسرائیل)، (حضور، شماره ۴۰، بهار ۱۳۸۱) است که نویسنده در آن سیر شکل‌گیری و تشکیل دولت اسرائیل و مخالفت مردم فلسطین با این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. احمد گل محمدی در مقاله‌ای با عنوان «روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست‌وزیری (۱۳۲۷-۵۷)» با تکیه بر اسناد نخست‌وزیری به بررسی روابط ایران و اسرائیل پرداخته است. مسعود کوهستانی‌نژاد در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایران و اسرائیل در دوره دولت دکتر مصدق (۱۳۳۲-۱۳۳۰)» در ابتدا به موضوع شکل‌گیری اسرائیل و سپس نحوه تعامل دولت ایران با اسرائیل می‌پردازد. در ادامه اقدام ایران در شناسایی دوفاکتوی اسرائیل را مورد واکاوی قرار می‌دهد و دلایل این اقدام را تشریح می‌کند. اما تکیه مقاله بر نحوه روابط ایران و اسرائیل در دوره دکتر مصدق است (فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۵، ۱۳۸۲). وحید آرائی و شعبان نجف‌پور نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر روابط ایران و رژیم صهیونیستی در دوره پهلوی؛ توازن یا وابستگی» ابعاد مختلف روابط میان ایران و رژیم صهیونیستی را طی سه دهه (۱۳۵۷-۱۳۲۷) در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی-اطلاعاتی، نظامی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده‌اند.

با مطالعه آثاری که اشاره شد، می‌توان دریافت این آثار اغلب به توصیف روابط دوجانبه ایران و اسرائیل پرداخته‌اند و مسئله مورد نظر این تحقیق، یا مورد پژوهش قرار نگرفته و یا به صورت گذرا مواضع معدودی از نمایندگان مورداشاره قرار گرفته شده است. این درحالی است که تکیه اصلی این مقاله بررسی روابط ایران و اسرائیل از دریچه نگاه نمایندگان مجلس شورای است.

تشکیل دولت اسرائیل؛ واکنش جامعه مذهبی و مجلس شورای ملی

به دنبال جنگ جهانی دوم و با بالاگرفتن درگیری میان یهودیان فلسطین و اعراب، انگلیس با محول کردن موضوع به سازمان ملل، تلاش کرد تا جایگاه یهودی‌ها را از نظر قانونی و حقوقی،

تثبیت سازد. در همین رابطه، در اردیبهشت ۱۳۲۶ کمیسیون ویژه مسئله فلسطین تحت عنوان «کمیسیون بازجویی» در سازمان ملل متحد تشکیل شد. اعضای کمیسیون، نمایندگان از کشورهای مختلف بودند تا به راه‌حلی مرضی‌الطرفین دست یابند. پس از یک ماه کشمکش، اعضای کمیسیون به دو دسته تقسیم شدند: دسته اول که اکثریت را تشکیل می‌داد چاره را در تقسیم یافتند و دسته دوم که در اقلیت بودند این تصمیم را ناعادلانه برشمردند. اولین واکنش ایران در قبال موضوع فلسطین به این کمیسیون برمی‌گردد. در همین راستا، نصرالله انتظام، سفیر کبیر ایران در آمریکا و نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد، با طرح مزبور مخالفت کرد. ایران تأکید داشت هرگونه تقسیم فلسطین به معنای آتش‌افروزی در خاورمیانه است لذا بایستی از این طرح جلوگیری و زمینه شکل‌گیری یک دولت ائتلاف عربی-یهودی را ایجاد کرد (زارع، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۴). با موافقت شوروی با تقسیم فلسطین کار بر اعراب سخت شد و آژانس یهود با کمک آمریکا هر چه در توان داشت برای جلب نظر اکثریت به کار برد و موفق نیز شد. از این رو پیشنهاد تقسیم فلسطین با ۳۳ رأی موافق، ۱۳ رأی مخالف و ده رأی ممتنع، اکثریت آراء را به خود اختصاص داد (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۱). در این زمان عبدالحسین هژیر که به‌تازگی عهده‌دار تشکیل کابینه جدید شده بود در اتخاذ موضع به‌گونه‌ای عمل کرد که موجب رنجش اعراب نشود. روزنامه‌الاهرام مصر، از او خواستار اعلام موضع «راجع به موضوع فلسطین» شد. هژیر در پاسخ اعلام داشت: «دولت ایران در موقعی که قضیه در شورای امنیت طرح بود نظر خود را به‌طور روشن ابزار داشت و نماینده ما در شورای امنیت راجع به تقسیم فلسطین اعتراض کرد. حالا هم از صمیم قلب امیدوارم که این موضوع به‌طور مسالمت‌آمیز حل شود» (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۸۴).

با صدور قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۴۷ (۸ آذر ۱۳۲۶) درخصوص تقسیم فلسطین، مردم ایران با انجام تظاهرات به رهبری آیت‌الله کاشانی به مخالفت با این تصمیم پرداختند. آیت‌الله کاشانی با صدور اعلامیه‌ای عواقب این تصمیم را هشدار و به انتقاد از سیاست دولت‌های غربی در این ارتباط پرداخت و با اعلام شماره‌حسابی از مردم خواست با کمک‌های مالی خود و تهیه اسلحه و لباس برای کمک به مردم مسلمان فلسطین همکاری کنند (قانون، ۱۳۸۱: ۱۷۳-۱۷۱). همچنین با دعوت از مردم در مسجد سلطانی (امام خمینی) در ۲۶ دی ۱۳۲۶ قصد سخنرانی

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۰۱

داشت که نیروهای دولتی مانع شدند(مدنی، ۱۳۶۲: ۱۹). آیت‌الله سید حسین بروجردی با انتشار اعلامیه‌ای خواستار اجتماع و اتحاد مردم مسلمان ایران در برابر یهودیان شد. آیت‌الله سید محمد بهبهانی نیز با ارسال تلگرامی به پاپ اعظم واتیکان، به انتقاد از سکوت محافل روحانی مسیحیت نسبت به پشتیبانی دول مسیحی مبنی بر به رسمیت شناختن دولت اسرائیل پرداخت (قانون، ۱۳۸۱: ۱۷۴). شیخ عبدالکریم زنجانی و شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطا «از مساعی نخست‌وزیر عراق در راه فلسطین» تشکر کردند. مقامات عربی نیز «از ابراز احساسات علما و عشایر [ایران] در رهایی فلسطین از صهیونیست‌ها» قدردانی نمودند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۸۵-۸۴).

نمایندگان مجلس شورای ملی نیز در برابر این اقدام سازمان ملل موضع گرفتند. محمدرضا آشتیانی‌زاده نماینده ایوانکی از به رسمیت شناختن اسرائیل همچون ضربه‌ای یاد کرد که دولت‌های آمریکا و شوروی بر قلب عالم اسلامی زده‌اند و اظهار داشت: «دولی که این حکومت را به رسمیت شناخته‌اند به منزله یک دشنه‌ای است که به قلب عالم اسلامی زده‌اند و تمام مسلمین از این قضیه متفردند» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم؛ جلسه ۷۰، پنجشنبه ۱۳۲۷/۰۲/۳۰). محمد طباطبایی سلطان‌العلماء نماینده بروجرد در ارتباط با این موضوع ابتدا با یادآوری قداست سرزمین فلسطین نزد مسلمانان گفت در حال حاضر فلسطین موردتهاجم ملت یهود قرار گرفته است و درصدد هستند این سرزمین را از ملت فلسطین غصب کنند. او در پایان از نمایندگان و کارمندان دولت خواست که یک روز حقوق خود را به نفع ملت فلسطین اختصاص دهند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم؛ جلسه ۷۲، سه‌شنبه ۱۳۲۷/۰۳/۰۴). امیر تیمور کلالی پیام آیت‌الله بهبهانی خطاب به نمایندگان مجلس را به شرح ذیل قرائت کرد: «... چون مقام مقدس مجلس شورای ملی مرکز رسمی ملت ایران است لازم می‌آید این اظهار تنفر (نسبت به اقدامات یهودیان علیه مسلمانان در سرزمین فلسطین) و همدردی ملت ایران را به نام عموم ملت ایران خاصه مقام روحانیت اعلام و اعلان فرمایند» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم؛ جلسه ۷۲، سه‌شنبه ۱۳۲۷/۰۳/۰۴).

پس از اظهارات نمایندگان در مورد مسئله فلسطین، موسی نوری اسفندیاری - وزیر امور خارجه دولت ابراهیم حکیمی - در مجلس حضور یافت و درباره اقدام دولت ایران در ارتباط با تشکیل دولت

اسرائیل اظهار داشت: نمایندگان ما در سازمان ملل متحد برای حل این موضوع از هیچ‌گونه کوششی فروگذار نبوده‌اند. در کمیسیون رسیدگی به این موضوع، که متشکل از یازده کشور از جمله ایران بوده است، با وجود اینکه رأی اکثریت مبنی بر تقسیم فلسطین بود اما عبدالله انتظام، نماینده ایران، با این نظریه مخالفت کرد و از پیشنهاد تشکیل حکومت فدراتیو برای فلسطین طرفداری کرد. اسفندیاری در ادامه گزارشی از عملکرد هیئت نمایندگی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که سال گذشته بدین‌منظور منعقد شده بود، ارائه داد و چنین عنوان کرد: «... دستورهای مؤکد در اهتمام به حل رضایت‌بخش قضیه فلسطین به هیئت نمایندگی ایران صادر شد و طرز رفتار هیئت نمایندگی ایران مورد سپاسگزاری خاص نمایندگان کشورهای مسلم قرار گرفت و تلگرافات تشکرآمیزی به وزارت امور خارجه مخابره نمود. بیانات متین و منطقی جناب آقای عدل رئیس هیئت نمایندگی ایران در مجمع مزبور و مخصوصاً اظهارات ایشان راجع به اینکه رویه دولت شاهنشاهی در مخالفت با تقسیم فلسطین منطبق با عدالت و انصاف و منشور ملل متحد می‌باشد و نباید به‌عنوان تأسیس کانون ملی یهود، کانونی برای آشوب و فساد و تهدید صلح خاورمیانه ایجاد گردد مورد توجه عموم واقع شد. پس از اینکه طرفداران تقسیم فلسطین به این نکته برخوردند که تقسیم مزبور عملی نیست و جز خونریزی نتیجه دیگری نخواهد داشت مجمع فوق‌العاده دیگری برای تدقیق این امر و تجسس راه‌حل عادلانه تشکیل یافت و نمایندگان ما به‌هیچ‌وجه رویه خود را از دست ندادند» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم؛ جلسه ۷۳، پنجشنبه ۱۳۲۷/۰۳/۰۶).

مخالفت نمایندگان مجلس علیه تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین در جلسات بعدی همچنان ادامه داشت. دکتر عبده در مخالفت با تشکیل دولت اسرائیل به سیاست گسترش اراضی آنها اشاره نمود و در همین ارتباط اظهار داشت: با وجود اینکه براساس قانون اساسی مذهب رسمی ما اسلام است و به همین دلیل نمی‌توانیم نسبت به جریان‌هایی که در کشورهای مسلمان اطراف ما می‌گذرد بی‌تفاوت باشیم ولی جدا از دلایل مذهبی، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و ملی که در فلسطین می‌گذرد به تبع واکنش ایران را در این ارتباط برمی‌انگیزد. در واقع ایران به دلیل منطقه جغرافیایی که قرار دارد با ملل متحد گرفته است یک قطعه کوچک از اراضی فلسطین به ملت یهود اختصاص داده شده است تا در آنجا تشکیل ملیت دهند که این تصمیم راه را برای مهاجرت اقوام یهود در سراسر دنیا به سمت

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۰۳

فلسطین فراهم می‌کند که هجوم شمار زیادی یهود به این منطقه خطر بزرگی برای خاورمیانه به دنبال دارد. از این رو اگر کشور اسرائیل به‌طور رسمی شکل گیرد مانند هر دولت استعماری درصدد گسترش برخواهد آمد و در آن روز است که تمام ملل مشرق زمین در خطر می‌افتند. بنابراین واکنش ما نسبت به مسئله فلسطین تنها به دلایل مذهبی نیست (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم؛ جلسه ۷۴، یکشنبه ۱۳۲۷/۰۳/۰۹).

عباس اسکندری طی سؤالی از وزیر امور خارجه خواستار تشریح سیاست خارجی ایران در خاورمیانه و مسئله فلسطین شد. وی معتقد بود درباره حل موضوع فلسطین، دولت ایران نسبت به ملل دیگر ارجحیت دارد، از این رو باید از مجمع ملل متحد خواستار رسیدگی به موضوع شود. همچنین وی داشتن این حق برای ایران را به دو دلیل برشمرد: یکی وضعی است که ایران در خاورمیانه دارد زیرا وجود جنگ و آتش‌افروزی در همسایگی ایران باعث می‌شد کشور ایران نیز در آن مداخله کند. دومین دلیل را برای اثبات حقانیت کشور ایران مبنی بر حل این موضوع حق تاریخی دانست که کشور ایران نسبت به این موضوع دارد و اظهار داشت این حق به ما اجازه می‌دهد هر نصیحتی را که به طرفین متخاصم داشته باشیم آنها بپذیرند. در ادامه به روابط تاریخی ایران و ملل یهود پرداخت. سپس تصمیم مجمع ملل متحد برای تقسیم فلسطین و دادن حق به ملت یهود را با استناد به این دلیل که در گذشته یهودیان در فلسطین زندگی کرده‌اند واهی دانست و افزود اگر این دلیل مبنای تصرفات ملل قرار بگیرد باید ممالک ژرمن در اختیار فرانک‌ها و آمریکا نیز به دست سرخ‌پوست‌ها بیفتند. بنابراین به روشنی نادرست بودن این اصل آشکار می‌شود و این مبنای سازمان ملل متحد را باید عنوان استعماری داد که در راستای منافع اقتصادی است. سپس به عواقب تصمیم سازمان ملل متحد مبنی بر تقسیم فلسطین هشدار داد که از این به بعد این قسمت به مکانی برای امتحان جنگ‌افزارهایشان تبدیل می‌شود و به همین دلیل تنها مخالفت نماینده ایران را در مجمع ملل متحد کافی ندانست و در پایان از نمایندگان خواست که تکرار کنند: «آقایان شما حق ندارید راجع به سرنوشت ممالک قدمی بردارید بدون موافقت صاحبان آنها و آلا پس فردا ما دچار انواع و اقسام تقسیماتی خواهیم شد به دست همین مجمع ملل متحد که آن را پشتیبان ملل جهان میدانیم ولی آگاه

باشید که این تقسیم تقسیمات دیگری را در پی دارد ما نباید هیچ نوع تقسیمی را قبول بکنیم» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم؛ جلسه ۷۴، یکشنبه ۱۳۲۷/۰۳/۰۹).

موضوع توجه به ملت فلسطین در جلسات دیگر مجلس نیز ادامه داشت. دکتر صادق رضازاده شفق نماینده تهران در نطق قبل از دستور به موضوع فلسطین پرداخت و مبدأ اختلافات سیاسی در فلسطین را ترور و دلایل غیرمشروع و خلاف قانون دانست و بیان داشت ملت ایران نباید نسبت به این اتفاق بی تفاوت باشند بلکه انتظار ملت ایران از دولت‌هایی که ادعای احیای عدل بین‌المللی دارند، این است که در چنین مواردی که خود میزان و ملاکی برای سنجش اقدام سازمان ملل متحد در اجرای عدالت بین‌المللی است اقدامات لازم را انجام دهند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم؛ جلسه ۹۱، یکشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۲۷).

درواقع سیاست دولت ایران در قبال اسرائیل از زمان تأسیس تا زمانی که ایران، آن را به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخت، نامشخص بود. برخی پژوهشگران این مقطع زمانی را نوعی «ابهام محاسبه‌شده» قلمداد کردند. برای این ابهام دو دلیل مطرح شده است: یکی حمایت مردم به رهبری علما و روحانیان با فلسطین بود. در این زمان شاه برای تحکیم پایه‌های قدرتش به حمایت علما نیازمند بود. از این رو از اقدامی که منتهی به رویارویی با آنها شود خودداری کرد. دلیل دیگر به سیاست خارجی اسرائیل در این مقطع زمانی برمی‌گشت که حاکی از یک نوع سیاست بی‌طرفی در قبال آمریکا و شوروی بود. بنابراین شاه که در این زمان به دنبال حمایت از آمریکا و مقابله با شوروی بود، اسرائیل گزینه مناسبی برای برقراری رابطه محسوب نمی‌شد (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۰۹).

شناسایی اسرائیل به صورت دوفاکتو

با وجود واکنش‌های نمایندگان مجلس علیه به رسمیت شناختن دولت اسرائیل، در دولت محمد ساعد مراغه‌ای زمینه شناسایی دولت اسرائیل فراهم شد (قانون، ۱۳۸۱: ۱۹۱-۱۸۷). ایران نیز به چند دلیل مبادرت به شناسایی اسرائیل کرد: توانایی اسرائیل در زمینه‌های اقتصادی و نظامی، دشمنی کشورهای عربی از جمله مصر و عراق با ایران (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۱۰). سرانجام دولت ایران، اسرائیل را

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۰۵

به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخت و محمد ساعد مراغه‌ای نخست‌وزیر وقت ایران با انتشار بیانیه- ای در ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ شناسایی دوفاکتوی اسرائیل را اعلام کرد (فلاح نژاد، ۱۳۸۱: ۳۰). او دلیل این اقدام را حفظ منافع اتباع ایرانی در فلسطین عنوان کرد: «برای اینکه دولت ایران بیشتر بتواند منافع اتباع خود را حفظ [کند]، سه ماه قبل آقای رضا صفی‌نیا را با سمت مأمور مخصوص به فلسطین اعزام داشت و با این عمل، دولت ایران دولت اسرائیل را بالفعل به رسمیت شناخت. ولی برای اینکه این شناسایی به صورت رسمی درآید، طبق تصمیم هیئت دولت، آقای انتظام نماینده دائمی دولت شاهنشاهی در سازمان ملل متحد، به اطلاع نماینده دولت اسرائیل رساند که از این پس، دولت ایران دولت اسرائیل را به طور دوفاکتو به رسمیت شناخته است» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۱۵۴-۱۵۵؛ کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۰۶). این موضوع رسماً از طریق نماینده دائمی ایران در سازمان ملل به صورت ذیل اعلام شد: «ایران مستقلاً سیاست خارجی خاص خود را طرح‌ریزی می‌نماید و تصمیم به شناسایی اسرائیل گرفته است» (قانون، ۱۳۸۱: ۱۹۲).

پس از به رسمیت شناختن اسرائیل توسط دولت ساعد، نمایندگان مجلس موضع نشان دادند. عباس اسلامی نماینده مازندران در انتقاد از اقدام وزارت خارجه در به رسمیت شناختن اسرائیل گفت: «ما اصلاً سیاست خارجی نداریم. برای اینکه وزارت خارجه نداریم. این دستگاه پرزرق‌وبرق وزارت خارجه و محتویاتش به عقیده بنده نمی‌شود گفت وزارت خارجه است و بایستی قفلی گرفت و به درش کوبید و بودجه‌اش را صرف ایجاد کارخانجات و سدسازی کرد که مردم گرسنه و فقیر این مملکت لااقل راحت باشند، زیرا علاوه بر آنکه این وزارت خارجه منشأ اثری نیست و کارهایش برای مملکت به عقیده من ضرر و خطر دارد اساساً کارهایی می‌کنند که دلشان می‌خواهد... زیرا زمانی که شاه در ایران نبود دولت در تهران دولت اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد... بنده به ماهیت دولت اسرائیل کاری ندارم نفیاً و اثباتاً، برای اینکه من نمی‌دانم سیاست نامرئی بریتانیای کبیر در اینجاها مشغول چه کاری است؟ بنده عقیده‌ام این است که اگر قرار بود که ما دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسیم لااقل بهتر این بود که یک مدتی تأمل بکنند که اعلیحضرت برگردند از این مسافرت و گردوغبارها یک کمی بنشینند» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره شانزدهم؛ جلسه ۱۰، شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۲۹).

سید محمدعلی شوشتری نماینده گرگان نیز اظهار داشت وزارت امور خارجه بدون مشورت با مجلس شورای ملی، چنین تصمیمی گرفته است؛ درحالی که از تمام جهات مجلس شورای ملی با اعمالی که برخلاف مصالح جامعه چهار صد و چند میلیون مسلمان دنیا بدون مشورت با سایر مسلمین انجام بشود نمی تواند موافقت کند. البته شاید یک روزی بنا بر مصالح دولت ایران یک دولتی را به رسمیت بشناسد ولی وقتی است که این مسئله به درستی جرح و تعدیل بشود و اینکه سیاست وزارت خارجه می خواهد این موضوع را به ما تحمیل کند یا اینکه اجازه دهد تا با آزادی و فکر خودمان عمل کنیم. به همین دلیل این عمل دولت در به رسمیت شناخته شدن اسرائیل مورد تصدیق ما قرار نخواهد گرفت» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره شانزدهم؛ جلسه ۱۰، شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۲۹).

شوشتری مخالفت با تصمیم وزارت امور خارجه در شناسایی دولت اسرائیل را در جلسات بعدی همچنان ادامه داد و در همین ارتباط از دولت خواست توضیح دهد آیا در تصمیمش با کمیسیون وزارت خارجه مشورت کرده است یا نه؟ سپس از رفیع، از اعضای کمیسیون وزارت امور خارجه، سؤال کرد که وی در پاسخ گفت مشورتی نشده است. شوشتری در ادامه افزود: ما نباید خاطر برادران عرب را با این اقدام مکدر می کردیم بلکه باید با عقل و تدبیر عمل می کردیم. همچنین در امور مربوط به مسلمین باید با مسلمین مشورت کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره شانزدهم؛ جلسه ۱۲، پنجشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۲۹). ابوالحسن حائری زاده نماینده تهران نیز در انتقاد از عمل دولت در به رسمیت شناختن اسرائیل در سؤالی از دولت پرسید فایده نماینده فرستادن به آنجا غیر از رنجش ممالک اسلامی و عربی و ضرری از اینکه این مأمور را فرستادید چیست؟ که دولت پاسخی به آن نداد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره شانزدهم؛ جلسه ۸۰، ۲۲/۰۸/۱۳۲۹).

پس از شناسایی اسرائیل، انتقال یهودیان مهاجر از ایران انجام گرفت و افتتاح روابط بازرگانی بین دو کشور برقرار شد (قانون، ۱۳۸۱: ۱۹۵). از طرفی ایران با اعلام شناسایی اسرائیل در بیت المقدس، سرکنسولگری دایر کرد که با این اقدام روابط ایران با کشورهای عربی به خصوص مصر رو به تیرگی نهاد و مطبوعات مصر خواستار محکومیت ایران و قطع روابط دیپلماتیک میان کشورهای عربی و ایران شدند، اما با نخست وزیری محمد مصدق این رویه تغییر کرد (امینی، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۰۷

ساعد پس از برکناری از نخست‌وزیری و عضویت در مجلس سنا، بار دیگر در شناسایی اسرائیل به حفظ منافع ایرانیان مقیم فلسطین و لزوم مطالعه از نزدیک امور جاریه دولت تازه تأسیس اسرائیل استناد کرد. بدین منظور ایجاب می‌کرد ایران در این نقطه مهم و حساس خاورمیانه، مأموری داشته باشد. با انتشار خبر اقدام دولت ایران در شناسایی اسرائیل، دستگاه‌های تبلیغاتی کشورهای عربی، ساعد را متهم به گرفتن پول و رشوه از اسرائیل کردند و افزودند: «ممکن است قرارداد تجارتي بین دو کشور منعقد شود و نفت ایران با کالای صهیونی مبادله گردد» (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۸۷-۸۶) به نقل از کوهستانی‌نژاد، براساس اسناد آرشیو اسرائیل، رشوه توسط یک عامل آمریکایی و به واسطه یک تاجر ایرانی پرداخت شده بود (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۰۷). البته برخی از محققین از جمله سیدحسن امین گرفتن رشوه توسط ساعد را مورد تردید قرار می‌دهند (امین، ۱۳۸۳: ۶۹).

روابط ایران و اسرائیل در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق

پس از روی کار آمدن دکتر مصدق در ۸ اردیبهشت ۱۳۳۰، روزنامه «المصری» قاهره گزارشی از فعالیت علمای «الازهر» و بیانیه آنها خطاب به آیت‌الله کاشانی در خصوص لغو شناسایی اسرائیل توسط ایران چاپ کرد که در همان روز، ارسال نامه از سوی علمای الازهر به آیت‌الله کاشانی از سوی کاردار سفارت ایران در قاهره تکذیب شد. چند روز پس از آن در ۲۹ اردیبهشت روزنامه «الندیر» سوریه در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت‌های شرقی و اسلامی اعراب را نادیده گرفته‌اند و اسرائیل را شناخته‌اند» چنین سؤال شد: «آیا می‌توانیم از پیشوای ایران که تخت انگلستان را لرزانیده، امیدوار باشیم که کاری کند تا ایران شناسایی خود را نسبت به دولت اسرائیل پس بگیرد؟» (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۰۹). تا اینکه در اوایل خرداد، حسین مکی در سخنانی در مجلس شورای ملی، موضوع شناسایی اسرائیل در زمان ساعد را مورد انتقاد و انجام این عمل را تنها پس از دریافت رشوه توسط او امکان‌پذیر دانست و اظهار داشت: «جبهه ملی از اول موافق نبوده و نیست [با شناسایی دولت اسرائیل]». سخنان مکی در مطبوعات آن روز سوریه منعکس شد (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۱۰). با وجود تلاش اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با دولت دکتر مصدق، به دلیل حضور

نیروهای ملی مذهبی در مجلس که طرفدار دولت‌های عربی بودند، دولت مصدق روابط خود را با اسرائیل گسترش نداد (کریمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹).

با بالاگرفتن مخالفت‌ها نسبت به شناسایی اسرائیل از سوی ایران، رضا رفیع، رئیس وقت کمیته خارجی مجلس شورای ملی، اعلام کرد که شناسایی اسرائیل منوط به تصویب مجلس است. علی‌اصغر حکمت، وزیر امور خارجه وقت، نیز اظهار داشت که لازم است ایران در شناسایی اسرائیل تجدیدنظر نماید و آن را لغو کند (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۱: ۳۳).

در نتیجه دکتر مصدق در هنگام سفر به قاهره در سال ۱۳۳۰ شناسایی ایران از اسرائیل را پس گرفت (امینی، ۱۳۸۱: ۳۲۴؛ تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۰۳/۱). این اقدام دکتر مصدق بازتاب گسترده‌ای در میان اعراب داشت به گونه‌ای که روزنامه‌های عربی به خاطر این اقدام دکتر مصدق از او به‌عنوان «زعیم شرق» یاد کردند و عبدالرحمن عزام پاشا دبیرکل اتحادیه عرب اظهار داشت: «کلیه دولت‌های عربی روشی که ایران در روابط خود با اسرائیل در پیش گرفته است با نظر تحسین و تمجید نگاه می‌کنند» (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۱: ۳۴).

پس از برچیده شدن کنسولگری ایران در اسرائیل نمایندگان مجلس نیز موضع نشان دادند. کشاورز صدر از این اقدام وزارت امور خارجه تشکر کرد و اظهار داشت که اسرائیل یک دولت پوشالی است که با حقه‌بازی ایجاد شده و علیه برادران مسلمان فلسطین اقدام می‌کند، به همین دلیل این اقدام وزارت امور خارجه جای تحسین دارد و اظهار امیدواری کرد که دولت همیشه این روش را پیش بگیرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره شانزدهم؛ جلسه ۱۶۵، یکشنبه ۱۶/۰۴/۱۳۳۰). شوستری نیز در این ارتباط گفت مجلس در هیچ زمانی اسرائیل را به رسمیت نشناخته و حالا که کنسولگری ایران در آنجا برچیده شده است موضوعی است که موردنظر و منظور ملت و مجلس ایران بوده است و هیچ‌وقت ما دولت اسرائیل را که این‌همه برای عالم اسلامی و دول عربی مشکل ایجاد کرده به رسمیت نشناخته و نخواهیم شناخت.

باقر کاظمی، وزیر امور خارجه دولت مصدق، نیز در گزارشی در مورد فسخ شناسایی دولت اسرائیل گفت که ایران در تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۳۰ کنسولگری خود را در بیت‌المقدس منحل کرد و رسیدگی به کار آنجا را به عمان محول نمود و دیگر دولت نمی‌خواهد راجع به شناسایی دولت اسرائیل اقدامی

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۰۹

انجام دهد و نماینده‌ای از اسرائیل در ایران قبول نکرده و نخواهد کرد. اسلامی از نمایندگان مجلس از باقر کاظمی وزیر امور خارجه درمورد لیره‌هایی که ساعد به‌عنوان رشوه برای برقراری رابطه با اسرائیل دریافت کرده بود، سؤال کرد و از او خواست که پیگیر موضوع باشد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره شانزدهم؛ جلسه ۱۶۵، یکشنبه ۱۶/۰۴/۱۳۳۰).

تغییر رویه دولت ایران نسبت به اسرائیل پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بار دیگر موضع ایران تغییر یافت و مجدداً اسرائیل را به‌عنوان یک دولت مستقل به رسمیت شناخت. از این رو بار دیگر روابط بین دو کشور برقرار شد (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۰۷). در این زمان رابطه ایران و اسرائیل و دیگر کشورهای همسایه تا حدود زیادی متأثر از حکومت مصر و جمال عبدالناصر بود. با نزدیکی مصر به انگلیس در سال ۱۳۳۴، ایران نیز به پیمان بغداد^۱ پیوست و پس از آن به کشورهای غرب‌گرا محافظه‌کار عرب، ترکیه و پاکستان بیشتر نزدیک و از مصر دوری گرفت و همین امر، ایران و اسرائیل را به یکدیگر نزدیک‌تر ساخت. با ملی‌شدن کانال سوئز توسط ناصر در مرداد ۱۳۳۵، همکاری نفتی بین ایران و اسرائیل گسترش یافت. تحریم نفتی اسرائیل توسط شوروی، نفت ایران را به جایگزین نفت شوروی به اسرائیل تبدیل کرد. بدین ترتیب در تیر ۱۳۳۹ مذاکراتی بین دو طرف جهت ایجاد روابط اقتصادی صورت گرفت که متعاقب آن کشورهای عربی به‌خصوص مصر به ایران اعتراض کردند. شاه در مصاحبه‌ای اعلام کرد که ایران از سال ۱۳۲۸ رژیم اسرائیل را به‌صورت دوفاکتو (بالفعل) به رسمیت شناخته است و از آن زمان تاکنون تحولی در روابط دو کشور به وجود نیامده است. به دنبال آن سفارت ایران در اسرائیل در سال ۱۳۳۷ گشایش یافت و اسرائیل نیز در تهران سفارتخانه دایر کرد. اما برقراری ارتباط با دولت اسرائیل به قطع روابط ایران و مصر در ۵ مرداد ۱۳۳۹ منجر شد (امینی، ۱۳۸۱: ۳۲۵).

۱. این پیمان اتحادی دفاعی در مقابل نفوذ کمونیسم بود که در ابتدا بین عراق و ترکیه در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ منعقد شد و ایران در ۳۰ مهر ۱۳۳۴ به آن پیوست (گازپوروسکی، ۱۳۷۱: ۸۳).

تندروی‌های ناصر، نزدیکی به شوروی، تأثیر بر کشورهای منطقه، اسباب نگرانی غرب به‌خصوص آمریکا را دامن زد. از این رو، آیزنهاور، رئیس‌جمهور آمریکا خواستار فعال‌شدن سیاست خارجی این کشور در خاورمیانه شد. بدین ترتیب بستر مناسب برای همکاری به‌منظور جلوگیری از نفوذ کمونیسم بین آمریکا و دول غیر عرب از جمله ایران فراهم شد. بدین ترتیب روابط نفتی - امنیتی بین ایران و اسرائیل هر روز گسترده‌تر شد. اما درعین‌حال ایران تلاش داشت این روابط را محرمانه نگه دارد. تا اینکه محمدرضا شاه با افتتاح نمایندگی ایران در تل‌آویو موافقت کرد مشروط به اینکه نمایندگی به‌صورت دفتری در سفارت سوئیس باشد و در مکاتبات اداری، «برن ۲» نامیده شود. اسرائیل نیز در تهران سفارتخانه دایر کرد. علاوه بر همکاری‌های نفتی، همکاری‌های امنیتی نیز به این روابط عمق بیشتری بخشید. مقامات امنیتی ایران با دیدن توانایی موساد، خواستار گسترش روابط شدند از این رو همکاری نفتی و امنیتی محور همکاری بین دو کشور شد تا جایی که شاه از آشکار کردن روابط با اسرائیل ابایی نداشت و در همین رابطه در مصاحبه‌ای با سردبیر روزنامه کیهان در اول مرداد ۱۳۳۹ درباره شناسایی اسرائیل چنین گفت: «این شناسایی سابقاً صورت گرفته و امر تازه - ای نیست. منتها روی جریان‌های روز و شاید هم از لحاظ صرفه‌جویی، چندسال پیش نماینده ما از اسرائیل احضار شده بود و هنوز هم برنگشته است. ولی این موضوع شناسایی چیز تازه‌ای نیست». به دنبال این مصاحبه، جمال عبدالناصر در ۴ مرداد همان سال به بهانه اقدام ایران در به رسمیت شناختن روابطش با اسرائیل، در مصاحبه‌ای شاه را موردحمله قرار داد و اعلام داشت روابط خود را با ایران قطع کرده است. متأثر از ناصر، مطبوعات کشورهای تندروی عربی، تبلیغات گسترده‌ای علیه شاه ایران راه انداختند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۵-۸۸).

با وجود چنین مواضعی از سوی کشورهای عربی، شاه ایران از رابطه با اسرائیل دست نکشید زیرا جهت ادامه این رابطه ملاحظاتی داشت که از جمله آنها عبارت بودند از: تجهیز و تقویت ارتش با کمک تسلیحات نظامی اسرائیل، همکاری با سازمان‌های امنیتی اسرائیل جهت ایجاد و اداره یک سازمان امنیتی در ایران (نجاری‌راد، ۱۳۸۱: ۶۳)، محاسبات اقتصادی و صدور نفت. بدین ترتیب حکومت پهلوی تا پایان عمر خود روابط با اسرائیل را ادامه داد هرچند به‌صورت نهانی و غیررسمی.

با روی کار آمدن جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۴، اقداماتی انجام داد که نگرانی اسرائیل و ایران را در منطقه به دنبال داشت و به گونه‌ای به دشمن مشترک ایران و اسرائیل تبدیل شد. مهم‌ترین دلیل آن گرایش‌های فکری ناصر مبتنی بر ناسیونالیسم عربی و گرایش‌های ضد غربی و تمایل به شوروی بود (کریمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۴). از اوایل دهه ۱۹۶۰ ناسیونالیسم عربی از سوی سران برخی کشورها به خصوص از جانب عبدالناصر مطرح گردید اما شاه ایران، این موضع اعراب را تهدیدی علیه خود ارزیابی می‌کرد؛ زیرا ناسیونالیست‌های عرب با حکومت پادشاهی و رابطه سیاسی بین ایران و اسرائیل مخالف بودند و از مخالفین داخلی در کشورهای محافظه‌کار (طرفدار غرب) از جمله ایران حمایت می‌کردند. از طرف دیگر، اسرائیل در این زمان در حال مبارزه با اعراب بود، بنابراین زمینه برای برقراری و گسترش روابط بین دو دولت فراهم شد (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۱: ۷۲-۷۱).

جنگ سال ۱۹۵۶ و مواضع نمایندگان مجلس

پس از حمله اسرائیل و همراهی دولت‌های انگلستان و فرانسه در تجاوز به خاک مصر، در دوره نوزدهم مجلس معدود نمایندگان علیه اسرائیل موضع‌گیری کردند که یکی از آنها سید جعفر بهبهانی بود. وی ضمن محکوم کردن اقدام اسرائیل در حمله به مصر، به پیدایش این دولت توسط انگلیس اشاره و اظهار داشت: «امروز فاش شد که آن همه اصرار و پافشاری که از قرن‌ها پیش برای جمع‌آوری و تمرکز یهودیان پراکنده و تأسیس دولت یهود در کنار مدیترانه به عمل می‌آورده به چه منظور بوده است. غرض اصلی از ایجاد این دولت انداختن تفرقه و نفاق بین اعراب فقط این منظور بود که هر وقت اراده کند آلت بی‌اراده‌ای به نام فلسطین در اختیار داشته باشد و دولتی ضعیف چون مصر و یا دیگر ملل عرب را از چپ و راست محاصره و با توپ‌های آتش‌زا و مخرب قدرت جنگی خود را به مردم بی‌دفاع مسلمان نشان بدهد. این عمل پایه‌های دولت انگلستان و فرانسه را در دنیا و در افکار جهانیان تکان داد» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم؛ جلسه ۲۸، سه‌شنبه ۱۳۳۵/۰۸/۱۵).

سلطان محمد سلطانی نیز در ابتدا با اشاره به تاریخ ایران و یهود اظهار داشت ملت ایران دشمنی نسبت به قوم یهود ندارند ولی اسکان قوم یهود در سرزمین فلسطین خلاف اصول و قوانین جهانی است و این اقدام امنیت منطقه خاورمیانه را در مخاطره قرار داده است و صلح جهان را برای همیشه دچار اختلال کرده است و درباره اسرائیل چنین ادامه داد: «حکومت کوچک اسرائیل در شرق وسطی مانند سرطانی در پیکر خاورمیانه به وجود آمده صلاح دولت‌های بزرگ غربی و ملل اسلام و یهود نیست که به آن بی‌توجهی شود، باید عقلای عالم هرچه زودتر به معالجه این مرض مهلک کمر همت ببندند» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم؛ جلسه ۳۰، سه‌شنبه ۱۳۳۵/۰۸/۲۲).

پس از طرح وحدت مصر و سوریه، بن‌گوریون نخست‌وزیر اسرائیل طی نامه‌ای به محمدرضا شاه در دوم خرداد ۱۳۴۲ (۲۳ مه ۱۹۶۳) بر همکاری بین دو کشور برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی تأکید کرد و افزود وحدت کشورهای عربی و افزایش قدرت ناصر منافع دو کشور ایران و اسرائیل را به خطر خواهد انداخت (فلاح‌نژاد، ۷۹-۷۶). همچنین شاه در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۶۳ در جواب سؤالی در مورد ماهیت روابط ایران و مصر و اسرائیل چنین پاسخ داد: «عبدالناصر از یک طرف به جنون جاه‌طلبی دچار می‌باشد و از طرف دیگر هرگاه که برنامه‌هایش با شکست مواجه می‌شود به عقده حقارت دچار می‌گردد. یکی از نمونه‌های بارز این امر هنگامی است که ایران زیر بار رهبری وی نرفت. در مورد اسرائیل؛ روابط ایران با آن کشور حسنه است و ایران به هیچ عامل خارجی اجازه نخواهد داد در این مناسبات دوستانه دخالت نماید» (ولایتی، ۱۳۸۰: ۸۵-۸۴). بدین ترتیب روابط بین ایران و اسرائیل گسترده‌تر شد، روابط وسیع اقتصادی برقرار شد، ایران نفت موردنیاز اسرائیل را تأمین کرد، کالاهای اسرائیل حجم وسیعی از بازار ایران را به خود اختصاص داد و ساواک و موساد باهم همکاری وسیعی را آغاز کردند (مدنی، ۱۳۷۵: ۲۲۸/۲؛ ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۶).

در دی‌ماه ۱۳۴۲ (ژانویه ۱۹۶۴) ژنرال زوی تسور رئیس ستاد ارتش اسرائیل با عبدالحسین حجازی رئیس ستاد ارتش ایران ملاقات و مذاکره کردند. این مذاکرات منجر به فروش اسلحه یوزی به ایران شد. در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۶) قراردادی به میزان شش میلیون دلار بین اسرائیل و ایران جهت خرید و تعمیر تجهیزات منعقد شد. این خریدها هنگامی صورت گرفت که دولت‌های کندی و جانسون در

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۱۳

زمینه فروش تسلیحات به ایران محدودیت اعمال کردند و به همین دلیل شاه به اسرائیل به عنوان «آمریکای کوچک» نگاه می کرد (قانون، ۱۳۸۱: ۳۱۵-۳۱۳).

از دیگر زمینه‌های ارتباطی بین دو کشور همکاری‌های اقتصادی و فروش نفت خام ایران به اسرائیل بود که حساسیت کشورهای عربی را برانگیخت. به دنبال تحریم اسرائیل از سوی کشورهای عربی در جریان جنگ شش‌روزه، ایران بزرگ‌ترین منبع تأمین‌کننده نفت اسرائیل بود. همچنین ایران نفت خود را در قبال خرید تجهیزات و تسلیحات مدرن نظامی به اسرائیل می داد (قانون، ۱۳۸۱: ۳۳۱-۳۳۰).

جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل

در اردیبهشت ۱۳۴۶ پرده از رابطه نفتی ایران و اسرائیل برداشته شد. ناصر این موضوع را بهانه کرد و همکاری دیپلماتیک بین کشورهای عربی با ایران را موردانتقاد قرار داد. در ادامه بندر عقبه را بست و مانع صدور نفت ایران از بندر عقبه به اسرائیل شد. چند هفته از این اقدامات ناصر نگذاشته بود که اسرائیل در ۱۵ خرداد ۱۳۴۶ به مصر و سوریه حمله کرد و در طول مدت شش روز، اعراب را شکست داد و به همین دلیل به «جنگ شش‌روزه» معروف شد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۹۹-۱۰۰؛ امین، ۱۳۸۳: ۷۱).

در جریان جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل در خرداد ۱۳۴۶، نمایندگان مجلس بیست و یکم همچون دولت ایران موضعی دوپهلوی گرفتند و خواستار حل بحران از طریق سازمان ملل متحد شدند. جواد موسوی کبیری (نماینده ایلام) این جنگ را، نتیجه استبداد و جاه‌طلبی‌های جمال عبدالناصر دانست که تلاش دارد به هر قیمتی شده خود را به‌عنوان پیشوا و رهبر به ملت‌های اسلامی تحمیل کند؛ درحالی‌که نژاد و ملیت او غیرعربی است. با مسلمانان یمنی در حال مبارزه است؛ ولی به‌حکم جهاد و مبارزه با دین، اعراب را به‌ظاهر علیه اسرائیل تجهیز می‌کند که این مسئله گویای این حقیقت است که قصد او جنگ با اسرائیل نیست بلکه تلاش او جهت سیادت بر جهان عرب است. او در پایان از مسلمانان خواست به پیروی از دستورات اسلام حمایت خود را از اعراب مسلمان اعلام دارند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۳۶۴، یکشنبه ۱۴/۰۳/۱۳۴۶).

هلاکو رامبد در جلسه ۳۶۵ مجلس در ۱۶ خرداد ۱۳۴۶ اعلام داشت ملت ایران اعم از هر یک از احزاب و افراد غیرحزبی در امر سیاست خارجی باهم وحدت نظر دارند و از شاه پیروی می‌کنند و براساس همین رویه، حزب مردم اعلامیه دولت شاهنشاهی را که در این زمینه صادر شده است تأیید می‌کند و در آینده نیز رویه دولت را در این باره تعقیب و نظارت می‌کند و خواهان آن است که دولت با هوشیاری و واقع‌بینی کامل، اوضاع را در جهت حفظ مصالح عالی مملکت تعقیب نماید. رامبد با اشاره به اینکه شاه ایران مبشر و منادی صلح و دوستی است افزود: «خوشبختانه در اعلامیه دولت شاهنشاهی مراتب صلح‌خواهی شاهنشاه و ملت ما به صورت شاخصی آشکار است و در عین حال نشان می‌دهد که دولت و ملت ایران هوادار و مدافع حقوق حقه مردم فلسطین بر اساس مصوبات سازمان ملل متحد می‌باشد و در مخاصمه‌ای که آغاز شده است با ملت‌های مسلمان ابراز همدردی دارد و همچنین مصرانه خواهان پایان یافتن فوری عملیات جنگی بر اساس قطعنامه و تصمیمات سازمان ملل متحد می‌باشد.» او در ادامه اظهار داشت دولت و ملت ایران خواهان حقوق مردم فلسطین بر اساس مصوبات سازمان ملل متحد است و در پایان خواستار پایان یافتن جنگ بر اساس قطعنامه و تصمیمات سازمان ملل متحد شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۳۶۵، سه‌شنبه ۱۶/۰۳/۱۳۴۶).

با پایان سخنان رامبد، محسن خواجه‌نوری (نماینده شمیرانات) از طرف فراکسیون حزب ایران نوین اظهار داشت: خبر حمله اسرائیل به کشورهای عربی و خاورمیانه موجب ناراحتی ملت ایران شده است؛ زیرا سعادت برادران مسلمان عرب آرزوی آنها است. بدین دلیل از سران دول جهان درخواست دارند با واقع‌بینی و روح بشردوستی کوشش نمایند تا به این عملیات مخاصمت‌آمیز خاتمه داده شود و از نیروی معنوی سازمان ملل متحد برای رفع مشکلات و اختلافات فی‌مابین استفاده گردد. ملت ایران صمیمانه آرزومند است که برای تأمین حقوق حقه مردم فلسطین بر اساس قطعنامه‌ای سازمان ملل متحد قدم‌های اساسی برداشته شود تا از این راه یک آرامش واقعی متکی به حکومت قانون و عدالت در سراسر خاورمیانه برقرار گردد و از برکت این امنیت مردم این منطقه با کار و کوشش خود بتوانند گام‌های سریع و ارزنده‌ای در راه سازندگی بردارند». این نماینده نیز با استقبال از اعلامیه مورخ ۱۶ خرداد دولت گفت «امیدواریم رهبری‌های خردمندانه شاهنشاه آریامهر در راه تأمین صلح

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۱۵

جهانی و حفظ آرامش و امنیت در خاورمیانه مانند همیشه اثرات نیکوئی بخشیده و نیات خیرخواهانه شخص ایشان موجب تأمین سعادت مردم این ناحیه گردد» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۳۶۵، سه‌شنبه ۱۳۴۶/۰۳/۱۶).

محمود نکوزاد (نماینده خرم‌آباد) جنگ اعراب و اسرائیل را نتیجه اشتباهات، غرور و خودخواهی جمال عبدالناصر دانست و بیان داشت ایران از همان ابتدا برای دفاع از حقوق ملت فلسطین بر اساس قطعنامه سازمان ملل متحد پیش‌قدم بوده است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۳۶۶، یکشنبه ۱۳۴۶/۰۳/۲۱). علی‌اکبر حکیم شوشتری (نماینده شوشتر) نیز این جنگ را نتیجه اعمال جمال عبدالناصر دانست و اظهار داشت این جنگی که برای مسلمانان پیش آمده، شکست اسلام نیست، بلکه شکست ناصر است که با دیکتاتوری و خودخواهی‌های خود یازده سال است با خرید اسلحه آرامش را از مردم گرفته است و در این جنگ اثبات کرد که این سلاح‌ها را برای جنگ با خود مسلمان‌ها تهیه کرده است ولی با این وجود در این جنگ مسلمانان به‌خوبی از خود دفاع کردند و ننگ این شکست تنها برای ناصر ماند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۳۶۶، یکشنبه ۱۳۴۶/۰۳/۲۱). جواد مهذب (نماینده فسا) نیز علت جنگ را خودخواهی، غرور و بی‌تدبیر ناصر دانست و اظهار داشت هرچند این جنگ تمام شد ولی آثار و خسارات مادی و معنوی آن تا مدت‌های مدیدی باقی است و از این‌رو از مردم مسلمان خواست که از هیچ کمکی به مردم فلسطین دریغ نکنند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۳۶۷، سه‌شنبه ۱۳۴۶/۰۳/۲۳). عبدالله والا (نماینده خلخال) با اشاره به اتفاقات اخیر خاورمیانه از مواضع دولت تشکر کرد و اظهار داشت ملل مسلمان با یکدیگر برادرند ولی بین ملل مسلمان و برخی زمامداران آنها خط فاصلی وجود دارد زیرا وقایع اخیر در خاورمیانه نتیجه جنگ‌افروزی‌ها و فزون‌طلبی‌های ناصر است که باعث نتایج جبران‌ناپذیری برای ملت مسلمان شد و از ملت مسلمان برای کمک به کسانی که در جنگ خسارات دیده‌اند، درخواست کمک کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۳۶۷، سه‌شنبه ۱۳۴۶/۰۳/۲۳).

به این ترتیب نمایندگان مجلس با مقصر جلوه‌دادن جمال عبدالناصر، نسبت به تجاوزات اسرائیل موضع چندان محکمی نگرفتند.

پیروزی اسرائیل در جنگ شش‌روزه و تصرف ساحل غربی رود اردن، جولان و صحرای سینا تا ساحل شرقی کانال سوئز مایه شادی حکومت ایران گردید. زیرا پیروزی اسرائیل مساوی با شکست عبدالناصر بود که مهم‌ترین مخالف شاه در منطقه محسوب می‌شد. در منابع آمده است که پس از این پیروزی، شاه به وزیر خارجه شوروی گفت با شنیدن خبر شکست ناصر از فرط خوشحالی به هوا جسته و به میمنت فتح اسرائیل، سکه‌های طلا بین دوستانش تقسیم کرده است (شوکراس، ۱۳۶۹: ۱۰۴؛ گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). اما در ظاهر امر دولت ایران در جریان صدور قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ اول آذر ۱۳۴۶ (۲۲ نوامبر ۱۹۶۷) مبنی بر عقب‌نشینی نیروهای نظامی اسرائیل از مناطق اشغالی، حمایت خود را از قطعنامه اعلام و به پشتیبانی از اعراب پرداخت (شوکراس، ۱۳۶۹: ۳۸۰).

منازعات اعراب و اسرائیل که بار دیگر با شکست اعراب پایان یافت موقعیت اسرائیل را در منطقه مستحکم کرد و تضعیف جبهه اعراب به‌خصوص مصر به رهبری جمال عبدالناصر را به دنبال داشت. در این میان حجم مبادلات بازرگانی ایران و اسرائیل افزایش یافت و میزان زیادی از نفت ایران به اسرائیل صادر شد به گونه‌ای که پیروزی اسرائیل در جنگ با اعراب در سال ۱۳۴۶ را نتیجه کمک‌های ایران به اسرائیل قلمداد می‌کردند. مبادلات بازرگانی بین دو کشور چنان گسترش یافت که واردات ایران از اسرائیل، نه تنها چند برابر واردات ایران از کشورهای عربی بود بلکه از واردات ایران از تمام کشورهای مسلمان در آسیا و آفریقا بیشتر بود (آرائی و نجف‌پور، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

سیاست دوگانه ایران در قبال مسائل اعراب و اسرائیل در طول مجلس بیست و دوم شورای ملی مانند قبل ادامه داشت. از این‌رو نمایندگان مجلس نیز به تبع دولت در واکنش‌هایی که داشتند سعی کردند بازتابی از سیاست ظاهری شاه را ارائه دهند. در همین رابطه مصطفی الموتی، روش ایران و سیاست شاه را در قبال جنگ عربی خاورمیانه، یکی از «عاقلانه‌ترین و عادلانه‌ترین» سیاست‌های جهان آن روز دانست و اظهارات شاه را درباره لزوم اقدام اسرائیل در تخلیه سرزمین‌های اشغالی تأیید کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و دوم، جلسه ۲۴، پنجشنبه ۱۰/۲۱/۱۳۴۶).

اسفندیاری نیز در سخنانی به مناسبت ورود شاه کویت به ایران، با اشاره به سیاست شاه ایران در قبال لزوم تخلیه اراضی اشغالی توسط اسرائیل، شرط برقراری آرامش در خاورمیانه را تخلیه اراضی

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۱۷

متصرفی اسرائیل عنوان کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و دوم، جلسه ۳۱، سه‌شنبه ۱۳۴۶/۱۱/۱۷). سعید حکمت نیز در سخنانی با محکوم کردن تجاوز به ملل دیگر، سیاست شاه را در زمینه تخلیهٔ سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل را یادآور شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و دوم، جلسه ۳۴). دادفر نیز در سخنانی به مناسبت کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، با مدح و ثنای محمدرضا پهلوی شروع کرد؛ سپس به جمال عبدالناصر به‌عنوان دشمن شاه تاخت و او را «مأمور درجه‌یک صهیونیسم بین‌المللی خواند» و بهترین فرد برای تأمین منافع اسرائیل خواند زیرا اسباب شکست اعراب از اسرائیل را فراهم کرده است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و دوم، جلسه ۳۶، پنجشنبه ۱۳۴۶/۱۲/۰۳).

درواقع نمایندگان مجلس به مناسبت‌های مختلف در ارتباط با کشورهای عربی تمایل داشتند برای نشان دادن حُسن تمایل ایران به کشورهای عربی، سیاست‌های شاه را در قبال اسرائیل گوشزد کنند. از جمله محمد شهرستانی در سخنانی به مناسبت بهبود روابط ایران و عربستان، شاه را اولین رئیس کشوری دانست که با واقع‌بینی، تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی را محکوم کرده است و بازگشت به مرزهای قبل از جنگ را لازمه برقراری آرامش در خاورمیانه عنوان کرده است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و دوم، جلسه ۲۳۹، سه‌شنبه ۱۳۴۹/۱۲/۱۸).

روابط ایران و اسرائیل در دهه ۱۳۵۰

جمال عبدالناصر بعد از جنگ شش‌روزه، با درپیش گرفتن سیاستی میانه‌رو خواستار برقراری امنیت و صلح با اسرائیل به‌منظور پس گرفتن خاک مصر بود. از این‌رو در اوایل آذر ۱۳۴۶، قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد را پذیرفت. از طرفی مصر خواهان بهبود روابط با ایران شد و سرانجام در ۷ اردیبهشت ۱۳۴۹، پس از ده سال، روابط دیپلماتی بین ایران و مصر برقرار شد. یک ماه پس از آن جمال عبدالناصر درگذشت. انور سادات به‌عنوان جانشین عبدالناصر، پذیرفت در خلیج فارس دخالت نکند. ایران نیز متقابلاً در اواخر سال ۱۳۴۹ بمباران تأسیسات غیرنظامی مصر توسط اسرائیل را محکوم کرد (مهدوی، ۱۳۷۴: ۵۸۴). برقراری روابط بین ایران و مصر اسباب نگرانی

اسرائیل را فراهم کرد. اما شاه که سیاست موازنه‌ای در قبال اسرائیل و مصر در پیش گرفته بود، به آنها اطمینان داد که سیاست ایران نسبت به اسرائیل هیچ‌گونه تغییری نخواهد کرد (مهدوی، ۱۳۷۴: ۳۹۳). تا اینکه مصر مصمم شد که از طریق جنگ نظامی، بخشی از سرزمین‌های ازدست‌رفته خود را از اسرائیل برگرداند. در نتیجه جنگ اکتبر ۱۹۷۳م/ مهر ۱۳۵۲ش شکل گرفت.

عباسعلی خلعتبری، وزیر امور خارجه نیز در سخنانی یک هفته قبل از شروع جنگ جدید اعراب و اسرائیل در بیست و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نگهداری سرزمین‌های اشغالی را غیرقابل قبول برشمرد و سیاست دولت ایران را در قبال بحران خاورمیانه چنین عنوان ساخت: «رفع بحران منطقه عربی خاورمیانه براساس مذاکره بین طرفین فقط در صورتی امکان‌پذیر است که برای خروج قوای اسرائیل از سرزمین‌های اشغال‌شده اعراب و اجرای مقررات دیگر قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت که شامل یافتن راه‌حلی عادلانه جهت مسئله آوارگان عرب فلسطین می‌گردد تضمین معقولی وجود داشته باشد». قطعنامه ۲۴۲ بر لزوم تخلیه سرزمین‌های اشغال‌شده اعراب را در ازاء شناسایی حق حاکمیت اسرائیل و آزادی کشتیرانی برای آن کشور در آب‌های بین‌المللی تأکید می‌کند اما این قطعنامه با وجود تلاش سازمان ملل متحد به‌موقع اجرا نشد که نتیجه آن بروز چنین جنگی شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و سوم، جلسه ۱۲۸، سه‌شنبه ۱۳۵۲/۰۷/۲۴).
نمایندگان مجلس در قبال این جنگ موضع گرفتند. محمود طلوعی در سخنانی، سیاست ایران بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷، پشتیبانی از تصمیمات و اقدامات سازمان ملل متحد برای برقراری صلح در خاورمیانه دانست (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و سوم، جلسه ۱۲۸، سه‌شنبه ۱۳۵۲/۰۷/۲۴). علی‌کمالوند نیز در واکنش به جنگ اعراب و اسرائیل، در سخنانی با اشاره به صلح‌طلبی ایران در منطقه، عنوان کرد اگر به اظهارات شاه درباره لزوم پایان‌دادن به اشغال سرزمین‌های عربی پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، توجه می‌شد امروز شاهد چنین جنگی در منطقه نبودیم (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست‌وسوم، جلسه ۱۲۹، سه‌شنبه ۱۳۵۲/۰۸/۰۱).

خانم مهروش صفی‌نیا، نماینده حوزه انتخابیه شمیرانات، محمدرضا پهلوی را نخستین شخصیت برجسته سیاسی جهان دانست که بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷، اشغال سرزمین‌های عربی را به‌وسیله

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۱۹

نیروی نظامی اسرائیل محکوم کرد و تأکید کرد که دوران تجاوزات نظامی به پایان رسیده است. در جنگ هفده روزه اخیر اعراب و اسرائیل نیز ایران، تعدادی هواپیما در اختیار کشور عربستان قرار داد تا برای کمک به اعراب مورد استفاده قرار گیرند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و سوم، جلسه ۱۳۴، سه‌شنبه ۱۳۵۲/۰۹/۰۶).

امیرعباس هویدا در هنگام تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۵۳، سیاست دولت ایران را حمایت و پشتیبانی از مردم فلسطین دانست و اظهار داشت در همین راستا بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، ایران خواستار تخلیه اراضی اشغالی توسط اسرائیل شد. از این رو دولت ایران از هر نوع اقدام و فعالیتی که جهت استقرار صلح بین اعراب و اسرائیل به عمل آید استقبال می‌کند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و سوم، جلسه ۱۳۴، سه‌شنبه ۱۳۵۲/۰۹/۰۶).

محمود طلوعی، نماینده میانه نیز در سخنانی مدعی شد اسرائیل در صورتی خواهد توانست امنیت و صلح برای خود ایجاد کند که حقوق مردم فلسطین را به رسمیت بشناسد و با همسایگان عرب خود در صلح زندگی کند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و سوم، جلسه ۱۵۸، پنجشنبه ۱۳۵۲/۱۲/۲۳).

با امضای قرارداد جداسازی نیروهای سوریه و اسرائیل در ژنو، محمود طلوعی طی سخنانی اظهار کرد این قراردادها و موافقت‌نامه‌ها، قرارداد صلح به شمار نمی‌روند بلکه نوعی آتش‌بس تضمین شده تا حصول توافق ضمنی هستند. اسرائیل با امضای این قرارداد قسمتی از اراضی اشغال‌شده مصر و سوریه را تخلیه کرده اما هنوز قسمت‌های مهمی از اراضی اعراب، به‌ویژه اراضی واقع در غرب رود اردن که قرارداد جداسازی نیروها در آن قسمت امضا نشده در اشغال نیروهای اسرائیل است و صلح واقعی در خاورمیانه تا تخلیه کامل این اراضی و حل مسئله فلسطین برقرار نخواهد شد. سیاست ایران در مسائل مربوط به خاورمیانه، تخلیه سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره بیست و سوم، جلسه ۱۷۰، سه‌شنبه ۱۳۵۳/۰۳/۱۴).

پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳م، شاه ایران برای کاهش فشارها و مخالفت‌های داخلی نسبت به ارتباط ایران و اسرائیل و همچنین نزدیکی روابط با مصر تلاش کرد زمینه صلح بین مصر و اسرائیل را فراهم

کند تا از این طریق مانع سقوط مصر در دامن کمونیست شود و از طرفی مشروعیت روابط ایران و اسرائیل را فراهم کند. در نتیجه مناسبات ایران و اسرائیل تا وقوع انقلاب اسلامی ادامه یافت.

نتیجه گیری

روابط ایران و اسرائیل از سال ۱۳۵۷-۱۳۲۷ را می توان به چندین دوره تقسیم کرد: دوره اول با توجه به اینکه فضای گفتمانی غالب جامعه همراهی با روحانیت و فضای حمایت از فلسطین بود و از طرفی محمدرضا شاه در راستای تحکیم پایه های قدرت قدم برمی داشت، تلاش کرد چندان مخالف فضای غالب عمل نکند. نمایندگان مجلس متأثر از فضای سیاسی و غالب اتخاذ مواضع کردند. از این رو در مجالس دوره پانزدهم و شانزدهم شورای ملی فضای کلی بر ضد اسرائیل بود و اسلام گرایان تأثیر داشتند و به طور کلی مواضع آنها دال بر مخالفت با تشکیل دولت اسرائیل بود. اما به تدریج با گسترش روابط ایران با آمریکا و فشار این کشور در زمینه شناسایی دولت اسرائیل و همچنین افزایش زمینه های همکاری با اسرائیل، بستر شناسایی دولت اسرائیل از سوی ایران فراهم شد و این اتفاق در دولت ساعد در سال ۱۳۲۸ اتفاق افتاد. نمایندگان مجلس در این زمان مخالفت خود را با اقدام وزارت امور خارجه در این زمینه اعلام کردند اما موضع چندان محکمی نداشتند.

در دوره نخست وزیری دکتر مصدق با توجه به مواضع سیاسی آیت الله کاشانی در حمایت از فلسطین و جو غالب مجلس و اقتدار نمایندگان ملی گرا و حمایت آنها از فلسطین، دکتر مصدق شناسایی دولت اسرائیل را پس گرفت. در مجلس دوره نوزدهم شورای ملی تنها سید جعفر بهبهانی فرزند آیت الله بهبهانی مواضع تندى علیه اسرائیل گرفت.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تثبیت قدرت محمدرضا شاه، وی اسرائیل را متحد استراتژیک خود خواند. نزدیکی ایران و اسرائیل ناشی از عوامل مختلف بود. از طرفی در این سال ها با روی کار آمدن جمال عبدالناصر و تفکرات او مبتنی بر ناسیونالیسم عربی و تمایل به شرق، دولت های غیر عربی منطقه چون ایران آن را تهدیدی علیه خود می پنداشتند. از این رو ایران به همکاری بیشتر با اسرائیل متمایل و در زمینه هایی چون اطلاعاتی، اقتصادی و امنیتی آن را گسترش داد. به دنبال این گسترش

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۲۱

همکاری، جمال عبدالناصر روابط مصر را با ایران قطع کرد. پس از مصاحبه شاه و قطع روابط با مصر، نمایندگان مجلس در راستای مواضع کلی دولت، تنها به بیان مواضع کلی اکتفا می‌کردند و یا با حمله به جمال عبدالناصر از محکوم کردن اسرائیل خودداری و مواضع سازمان ملل در عقب‌نشینی اسرائیل از اراضی اشغالی را تکرار می‌کردند. بنابراین چنین می‌شود نتیجه گرفت که نمایندگان مجلس متأثر از گفتمان غالب در فضای سیاسی ایران، موضع‌گیری می‌کردند.

کتابنامه

الف) اسناد

روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۷ش) به روایت اسناد نخست‌وزیری، تهران: مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۷۷.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره شانزدهم.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و دوم.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و سوم.

ب) کتاب

امینی، علیرضا، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۱.

تقی‌پور، محمدتقی، ایران و اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰.

حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران: دانشگاه امام صادق

(ع)، ۱۳۸۲.

۳۲۲ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

زارع، رضا، ارتباط ناشناخته: بررسی روابط رژیم پهلوی و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۷)، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴.

ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۱.

شوکران، ویلیام، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، ۱۳۶۹
گازیوروسکی، مارک جی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱.

علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۱، تهران: ویس، ۱۳۶۹.

فلاح‌نژاد، علی، مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

قانون، مرتضی، دیپلماسی پنهان: جستاری در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی با مروری بر پیشینه تاریخی یهودیان ایران، تهران: طبرستان، ۱۳۸۱.

مدنی، جلال‌الدین، ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، تهران: سروش، ۱۳۶۲.

مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.

نجاری راد، تقی، ساواک و موساد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

ولایتی، علی‌اکبر، ایران و تحولات فلسطین (۱۳۵۷-۱۳۱۷/۱۹۷۹-۱۹۳۹م)، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۴.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: البرز، ۱۳۷۳.

ج) مقالات

امین، سید حسن، «روابط ایران و اسرائیل»، حافظ، شم ۲، اردیبهشت ۱۳۸۳.

آرانی، نجف‌پور، وحید، شعبان، «تحلیلی بر روابط ایران و رژیم صهیونیستی در دوره پهلوی؛ توازن یا وابستگی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۴، ش ۵۶، پاییز ۱۳۹۲.

- روابط ایران و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۶) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی..... ۳۲۳
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «از شناسایی دولت فلسطین تا عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، س ۲، ش ۷، پاییز ۱۳۹۵.
- کریمی، غلامرضا، حسن آرایش و سیدرضا رحیمی عماد، «تقویت رابطه ایران و اسرائیل در پرتو نقش جمال عبدالناصر»، مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، س ۱، ش ۳، پاییز ۱۳۹۱.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود، «روابط ایران و اسرائیل در دوره دولت دکتر مصدق»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۱۵، ۱۳۸۲.
- گل‌محمدی، احمد، «روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست‌وزیری (۱۳۲۷-۵۷)»، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۱، ش ۶.
- میرطاهر، سیدرضا، «تاریخچه شکل‌گیری اسرائیل»، حضور، ش ۴۰، بهار ۱۳۸۱.